

یادداشت



عراق بعد از داعش

مستولان عراقی و کرد می گویند که آنها نسبت به غفلت های دولت عراق برای طرح ریزی اداری و امنیتی در مرحله بعد از پایان جنگ با داعش نگرانند. نگرانی آنها حتی تا بالاترین سطح یعنی حیدر العبادی، نخست وزیر عراق هم می رسد. می گویند نمی داندند واقعا او طرحی برای آینده عراق بعد از داعش دارد یا خیر. برخی می گویند که این اراده های خارجی هستند که مرحله پیش رو را اداره خواهند کرد و عراقی های چند دسته شده از لحاظ طایفه ای و نژادی، مجبور خواهند شد که با یکی از این اراده ها به عنوان یک امر واقع تعامل کنند. هوشیار زیباری، وزیر امور خارجه اسبق و وزیر دارایی سابق عراق که یکی از چهره های مطرح کردی محسوب می شود در این باره می گوید: «عبادی کند عمل می کند. هر وقت که این موضوع را با او در میان می گذاریم، می گوید که منتظریم عملیات نظامی پایان یابد تا ببینیم چه می شود.» وی در ادامه می افزاید: «شهر (موصل) به طور کامل فنا شده است. ببینید سهم دولت در این شهر چقدر است، طوری رفتار می کند که انگار به آن ربطی ندارد.» این در حالی است که کردها به برگزاری رفراندوم استقلال در ۲۵ سپتامبر پیش رو یافشاری می کنند و به دنبال حفظ مناطق خود در قالب یک کشور هستند. از سوی دیگر نیروهای داوطلب مردمی نمایان به ایران تلاش می کنند بر مناطق آزاد شده مسئولی شوند و به توصیه ایران خود را به مرزهای سوریه برسانند تا طرح پیوستن عراق و سوریه به طرح ایران که ایجاد گذرگاهی از تهران تا بیروت است، تکمیل شود. در سایه این تحولات، رهبران سنی و کرد در موصل و محیط پیرامون آن از مخالفت عبادی برای بحث بر سر آینده اداره موصل نگرانند و شک آن دارند که از پشت پرده این ایران است که امور را اداره می کند. آن چه اکنون شاهدیم تمرکز کرها بر شمال عراق و اکثریت اعراب شیعی در جنوب است که بخش بزرگی از خاک عراق را شامل می شود، با وجودی که در خود نزادهای مختلف کوچک دیگری را هم جای داده، و این در حالی است که آرزوهای کردها و اعراب سنی برای حکومت بر بغداد شیعی از بین رفته و می توان گفت این شهر کاملا تحت کنترل شیعیان است. ایل العجیفی، که قبل از سقوط موصل به دست داعش در سال ۲۰۱۴ استاندار نینوا بود، در این باره می گوید: «از آن چه قبلا بودیم همه عقب تر رفته ایم. می خواهند مناطق آزاد شده‌ای را برای ما بگذارند که در آن سازمان های امنیتی و سیاسی جولان دهند.» وی در ادامه می افزاید: «تا حالا که هیچ طرحی برای موصل مطرح نشده است، بغداد همه هیچ فضایی برای گفت وگو بر سر آینده موصل فراهم نمی کند.» وی سپس می گوید: «دو جناح در صف شیعی وجود دارد که به نوعی با هم درگیر هستند و هر کدام دیدگاه خودش را دارد. یکی جناح تندروهاست که برای خود رهبرانی هم دارند، آنها می خواهند شرایط خود را به عنوان پیروز میدان در نبرد موصل و دیگر مناطق آزاد شده عراق تحمیل کنند، دیگری جناح میانه روهاست که درک می کنند چنین چیزی ممکن نیست و می توانند با فراطگرایی در عراق دامن بزنند. برآورد من این است که ایران از هر دوی آنها حمایت می کند.» العجیفی که در حال حاضر یکی از رهبران اهل تسنن محسوب می شود و فرماندهی نیروهای مسلح آموزش دیده توسط ترکیه را بر عهده دارد، همچنین می گوید: «اهل تسنن از مشکلات بزرگی رنج می برند. آنها به شدت عصبی شده اند. یکی از دلایل آن این است که رهبران قدرتمند اهل تسنن یا تحت پیگردند یا از عرصه به دورند یا خیلی ضعیف و متزلزل شده اند.»

پاروقی

معادلات بین المللی و موشک‌های کره شمالی

اگر همین جهان که فعلا در شُورای امنیت سازمان ملل خلاصه شده به تعهدات خود عمل می کرد و ایالات متحده و همیمانانش را از تعدی به موازین و مقررات بین المللی باز می داشت شاید امروزه نیاز به قیام و قعود نداشت. بدیهی است طبق همه معادلات اگر بنا باشد جنگی بپا نشود این ایالات متحده است که تسلیحاتی در اختیار دارد که می تواند کره شمالی را کاملا نابود کند، تسلیحاتی که طبق همه موازین بین المللی ممنوعه به حساب می آید و سلاح های کشتار جمعی است و برای نابودی بشریت ایجاد شده. بدیهی است کره شمالی نه موشک خود را برای حمله به ایالات متحده تولید کرده و نه سلاح هسته ای خود را برای حمله به ایالات متحده ایجاد کرده چون در هر دو صورت به خوبی می داند که دست برتر هم طرف مقابل است، پس چرا کره شمالی اقدام به تولید چنین تسلیحاتی می کند؟ توجه داشته باشید که شبه جزیره کره به دلیل موقعیت استراتژیک خود همیشه مورد طمع ایالات متحده بوده و به همین دلیل هم هست که کره چند سال جنگ با ایالات متحده که چند هزار کیلومتر آنطرف تر قبران دارد را تجربه کرد.

کره ای ها مجبور بودند در آن جنگ تا برابر با گوشت و خون خود در مقابل تسلیحات پیشرفته آمریکا بایستند و در نهایت ایالات متحده مجبور شد دست از جنگ بردارد ولی هیچوقت دست از تهدید کره بر نداشت.

امروز آقای میدی نژاد سفیر ایران در لندن یک توثیت داشت که بنده هم به صورت رودستی تصمیم داشتیم در همان راستا مقاله بنویسم، به هر حال یک جا هم ایشان رو داد می زد.

ایالات متحده بحث مذاکره و توافق را با کره و دیگر کشورها مطرح کرده و می کند اما هیچ وقت به تعهدات خود در این توافقات عمل نمی کند و فقط از طرف مقابل توقع دارد به تعهدات خود عمل کند، نمونه آن هم توافق هسته ای با ایران می باشد.

اگر ایالات متحده کشوری بود که شرافتمندانه به قول و وعده وعید های خود عمل می کرد قطعا بسیاری از کشورها امیدوار می شدند که توافق نامه ای به قول آقای روحانی برد برد را با آمریکا به امضا برسانند ودر نهایت هر دو طرف به منافع و خواسته های خود برسند اما همانگونه که جهان می تواند در مورد توافق هسته ای به وضوح مشاهده کند ایالات متحده به هیچ یک، به جرئت می توان گفت به هیچ یک، از تعهدات خود در توافق برجام یا دیگر توافقات بین المللی عمل نکرده و بر عکس سیاست های خصمانه سابق خود بر علیه ایران را پیش گرفته، با این شرایط کشورها هم می داند که تنها راه مقابله با این رفتار ایالات متحده ایجاد نوعی توازن قدرت در مقابل آن است، هر چند ممکن است این توازن قدرت آنگونه که می بایست نباشد اما به هر حال هدف هیچ کدام از این کشورها نیز حمله به ایالات متحده که آنور اقیانوس است نیست بلکه هدف این است که اگر ایالات متحده تصمیم بگیرد وارد ماجراجویی شود وبه آنها حمله کند متوجه باشد که هزینه ماجراجویی برایش سنگین تمام خواهد شد.

همانگونه که کره ای ها پس از جنگ کره متوجه شدند که باید سلاح بازدارنده خود را تولید کنند ایرانی ها هم پس از جنگ با عراق به این نتیجه رسیدند و امروزه بخوبی می داندند تنها همین سلاح بازدارنده واقتدار نیروهای مسلح آن است که ثبات و امنیت را برای مملکت به ارمان می آورد و سایه جنگ را از سر مملکت دور می کند و توافقی با جهان را فقط بر این دلیل امضا می کند تا به جهان ثابت کند خواستار صلح است اما طرف مقابل صلح طلب نیست، به همین دلیل هم هست که ایران هیچوقت برنامه موشکی و تولید تسلیحات دفاعی خود را متوقف نمی کند و نخواهند کرد چون همانگونه که کره ای ها می داندن اگر تسلیحات هسته ای و موشک های آنها نبود آمریکایی ها لحظه ای برای حمله به کره دریغ نمی کردند چرا که در این هم بخوبی می داندند متوقف کردن برنامه دفاعی خود یعنی حمله ایالات متحده و همیمانانش به ایران.

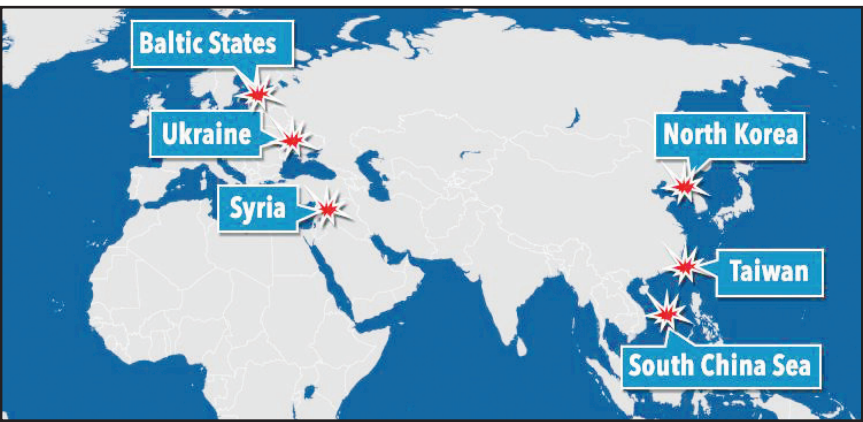
تعداد افرادی که بر اثر بیماری وبا در یمن جان خود را از دست داده اند به رقم یک هزار و ۷۰۰ تن رسیده است.

شیوع بیماری وبا از اواخر ماه آوریل سال جاری در یمن به خود سرعت گرفت و تعداد مرگهای ناشی از آن تا اواسط ماه ژوئن ۹۲۳ مورد گزارش شده بود.

آمار و ارقام کمیته بین المللی صلیب سرخ نشان میدهد تعداد افراد مشکوک به ابتلای به این بیماری از ۱۲۴ هزار نفر به ۳۰۰ هزار نفر رسیده است.

جنگ و درگیری دو ساله در یمن بین نیروهای طرفدار عبد ربه منصور هادی، رئیس جمهوری و شبه نظامیان شیعه حوثی که از حمایت حکومت ایران برخوردارند، وضعیت اسفباری را در این کشور ایجاد کرده است. کمبود امکانات بهداشتی درمانی به شیوع وبا سرعت بخشیده است. یمن علاوه بر این بحران با خطر بزرگ حقطی نیز روبرو است. ۱۷۰۰ میلیون نفر یعنی دو سوم جمعیت کشور در معرض خطر حقطی قرار دارند

افزایش خطر جنگ با ایران



اتفاقاتی که حامی دیگر رژیم سوریه، یعنی روسیه را درگیر می سازد نیز به اندازه رویدادهای مرتبط با ایران نگران کننده اند. نگرانی‌هایی در خصوص درگیری نظامی مستقیم آمریکا با روسیه به عنوان یک ابر قدرت سابق هسته ای وجود دارند و در صورت جنگ ایالات متحده با ایران، محدودیت‌های ویژه ای را در روابط روسیه و آمریکا باید انتظار داشت. مشابه ارتباطاتی که ایالات متحده و شوروی سابق در خلال جنگ سرد در پیش گرفتند.

اتفاقاتی که حامی دیگر رژیم سوریه، یعنی روسیه را درگیر می سازد نیز به اندازه رویدادهای مرتبط با ایران نگران کننده اند. نگرانی‌هایی در خصوص درگیری نظامی مستقیم آمریکا با روسیه به عنوان یک ابر قدرت سابق هسته ای وجود دارند و در صورت جنگ ایالات متحده با ایران، محدودیت‌های ویژه ای را در روابط روسیه و آمریکا باید انتظار داشت. مشابه ارتباطاتی که ایالات متحده و شوروی سابق در خلال جنگ سرد در پیش گرفتند.

تفویض اختیار به نظامیان

تفویض اختیار ترامپ به پنتاگون در اخذ تصمیمات پیش بیشتر جنبه استراتژیک دارد تا تاکتیکی .گاهی اینن تفویض می تواند عدم تمایل افسران نظامی بسا تجربه را بر باری درگیری‌های جدید،کاهش دهد.

آمریکا در سوریه و خلیج فارس حضور نظامی دارد، مناطقی که در آنها مواجهه با ایرانیان امکان پذیر است.

تصمیمات نظامی که صرفا به دلایل نظامی اخذ می شوند می توانند جرقه درگیری‌های گسترده را روشن سازند.

افزایش درگیری‌ها در عربستان

تنش میان عربستان سعودی و ایران در حال حاضر بالا گرفته است که بیشتر آنها منشا سعودی دارند. واگذاری قدرت به شاهزاده ای بی تجربه با نام محمد بن سلمان بر این تنش‌ها افزوده است. او اظهار داشت که «جنگ را به داخل خاک ایران خواهد کشاند». وی همچنین موجبات واهمه قطر را فراهم ساخت، کشوری که روابطی دوستانه با ایران دارد. پتانسیل کشیده شدن پای آمریکا به این درگیری وجود دارد، خصوصا اینکه ترامپ ثابت نموده که در کنار سعودی‌ها خواهد ایستاد.

سیاست پذیرش جنگ در خلیج فارس

حتی بدون توجه به بی‌پروایی‌های شاه جوان

وبا بیش از جنگ

در یمن تلفات دارد

کشور در معرض خطر حقطی قرار دارند

پائول پیلا-مدیر سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا

منبع: lobelog.com

ترجمه: زهرا شریعتی فر

پیچیدگی شرایط کنونی، خطر درگیری‌های نظامی میان ایالات متحده و ایران را افزایش خواهد داد. جنگی که قطعیت ندارد اما شانس وقوع آن از هر زمان دیگری بیشتر است. دلایل عدم رد احتمال وقوع جنگ میان این دو کشور به این شرح اند:
ایرانی‌ستیزی در گفتمان آمریکایی‌ها
لغاتی تکرار شونده به گسترده‌گی در گفتمان آمریکایی‌ها کاربرد دارند. اینکه ایران کشوری با "استبداد دینی" ست، "بزرگترین حامی تروریسم" و "مخو شرارت" بوده و رفتار "بی‌ثبات‌کننده" آن "بجای تمام از"مدیریت همومنی منطقه‌ای" اش را شکل می‌دهد. متاسفانه لفاظی‌ها جایگزین تفکر شده اند، تفکر در این باره که ایران چه هست و چه نیست و چگونه می تواند و نمی تواند بر منافع ایالات متحده تاثیرگذار باشد.

لابی‌ای که بر طبل دشمنی با ایران می‌دمد

به واقع تلاش‌هایی برای تحریک درگیری با ایران مشاهده می شود. منافع سیاسی، یکی از دلایل ضعیف برای ایجاد تنش در روابط این دو کشور و نیز منزوی نمودن ایران است. در میان این منافع طلبان جناح راست دولت اسرائیل در مقام نخست قرار دارد، که ایران را مزاحم تاثیرگذاری‌های منطقه ای خود دانسته و مسائل منطقه را به منظور انحراف توجهات از موضوعاتی چون اشغال سرزمین‌های فلسطینیان، توجیه می نماید و آمریکا را تنها شریک قابل اعتماد خود در منطقه می داند.

اولویت‌های دولت اسرائیل بر سیاست‌های جاری دولت آمریکا علیه ایران بسیار تاثیرگذار است. ترامپ به ترجیحات اسرائیل توجه بسیار دارد و این تمایل به وضوح در ملاقات‌ها و لفاظی‌های کمپین‌های انتخاباتی اش مشهود بود. ترامپ آرزو دارد تا به صلح میان اسرائیل و فلسطین دست یابد که این امر نیازمند قطع کامل روابط با دولت فعلی نتانیاهوست.

از این رو در گیری با ایران می تواند شکلی از جبران خسارت نتانیاهو در قبال فشار ترامپ بر وی برای واگذاری امتیاز به فلسطینی‌ها باشد.

سیاست ضدیت با اواما و نیز توافق هسته‌ای

با ایران

توافقی برجام بزرگترین موفقیت دولت باراک اوباما در عرصه سیاست خارجی محسوب می شد که مخالفاتی داشته و دارد. ترامپ درکمپین‌های انتخاباتی

اش این توافق را معتبر ندانست و اظهار داشت که ایران به شدت تمایل دارد تا خلاف اقدامات اواما حرکت کند.

ضعف فکری مقامات دولتی آمریکایی

در حال حاضر دلایل هوشیارانه که درگیری نظامی

بسایران را احقانه می داندند بیشتر مورد توجه قرار دارند. اما ویژگی ضدیت با ایران حتی به افرادی چون وزیر دفاع، جیمز ماتیس نیز سرایت کرده است.

تغییر رژیم ایران

یکی دیگر از افسرد در معرض بیماری ایران سستیزی، تیلرسون است که اخیرا در کمیته وزارت خارجه ی آمریکا عنوان کرد: تغییر رژیم ایران یکی از سیاست‌های آمریکا در قبال این کشور است. این نظر با مضمون خشونت آمیزش تنها در زبانه دان تاریخ سیاست خارجه ی آمریکا جای دارد چراکه تغییر رژیم‌ها در لیبی و عراق از سوی آمریکا با نتایج فاجعه بارشان هنوز در جلوی چشمان دنیا قرار دارند.

خزش ماموریت در سوریه

شکست داعش در سوریه موجب طرح این پرسش دشوار گردید که چگونه باید با این قلمرو رو به کاهش در سوریه مستقیما مواجه شد. بسیاری در ایالات متحده از گسترش‌های نظامی آمریکا در سوریه و مقابله با رژیم دمشق و حامیان روسی و ایرانی اش حمایت می کنند. عملیات‌های نظامی زمینی و هوایی آمریکا در راستای این اتفاق تغییر کرده‌اند.

حوادثی چون شلیک به هواپیماهای بدون سرنشین ایرانی و هواپیماهای مجهز سوری همچنین تهاجمات ایالات متحده به مواضع شبه نظامیان مورد حمایت ایران از مصادیق این تغییرات به شمار می روند.

نقش مهم ایران در سوریه و نیز موقعیت گسترش یابنده آمریکا در این کشور می تواند سوریه را به مکانی برای ایجاد جرقه ی جنگ بین این دو کشور بدل سازد.

روابط با روسیه

دریای جنوبی چین

تهدید و فرصت چین و کشورهای جنوب شرق آسیا

بودند.

علاوه براین اینن منطقه یکی از پسر رفت و آمدترین آبراه‌های جهان است و هر ساله محموله‌های تجاری به ارزش چند هزار میلیارد دلار با کشتی از این منطقه عبور می‌کند.

آب‌های منطقه دارای منابع قابل‌ توجه ماهیگیری است و همچنین گفته می‌شود که منابع عظیم نفت و گاز در بستر این دریا وجود دارد. ساخت جزیره‌های مصنوعی برای استفاده نظامی و بکارگیری ازانواع تجهیزات نظامی مانند ناوهای جنگی ، سیستم‌های راداری پیشرفته و پرواز مداوم جنگنده‌های چین درعین حال سبب شده تا چهره این آبراه بین المللی وجهه نظامی نیز داشته باشد.

در مجموع ظاهرا کشورهایه که سفره دریای جنوبی چین در مرزهای آنها گسترده شده ، از این اقدامات ناراضی هستند و به همین دلیل با انعقاد قراردادهای مختلف با آمریکا زمینه حضوراین کشور در منطقه را برای مقابله با یکن فراهم کردند، امری که بر چهره نظامی این منطقه بیش از گذشته افزوده است.

ازنگاه کشورهای این حوزه آبراه دریای جنوبی چین شاهراه و رگ اصلی حیات اقتصادی آنهاست، این پکن به نیروهای گارد ساحلی خود اجازه داده که از مناطق انحصاری اقتصادی کشورهای دیگر عبور کرده و درعین حال در یک بیانهی هفالت سابق سه ماهه ماهیگیری برای همسفرگان خود در این دریا تعیین کرده است.

تعاملات گسترده اقتصادی چین و

کشورهای آسه آن

البته پکن می داند که طرح اعلام شده با استقبال کشورهای این منطقه روبرو نشده است از این رو نخستین قدرت آسیا و دومین قدرت جهان با استفاده از روش‌های مختلف اقتصادی درصدد است تا زمینه جذب و حفظ ۱۰ کشور جنوب شرق آسیا موسوم به آسه آن را در کنار خود تقویت کند. پکن عمدتا این هدف را در طیفی از اقدامات و هدایایی مانند سرمایه گذاری تا کمک‌های نظامی به کشورهای عضو این اتحادیه دنبال می‌کند.

هزینه‌های این کشور در این مسیر اگرچه گسترده است اما پکن در عین حال از این طریق راه نفوذ اقتصاد ۱۱٫۲ تریلیون دلاری خود را به این دارد و بسه زمانی برمی گردد که مجمع الجزایر پاراسل و اسپراتالی بخشی جداناشدنی از چین

E-mail: mostaghaldaily@gmail.com

بین‌الملل

عربستان، خلیج فارس، از مکان‌هایی است که احتمال درگیری در آن بالاتست. آمریکایی‌ها در منطقه ای که ایرانیان آن را محوطه دریایی خود می نامند و گاهی مانورهای بی پروای نظامی در آن برگزار می کنند، حضور دارند. درگیری اخیر نیسروی دریایی آمریکا با کشتی تجاری ژاپنی نشان داد که این دست وقایع در آبهای بر ترد و شلوغ حتی بدون سابقه خصمانه نیز اجتناب ناپذیر است.

تصورکنید که رویدادی مشابه در خلیج فارس، میان نیروهای ایرانی و آمریکایی با پس زمینه خصمانه ای که در روابط دو کشور دارد، رخ دهد! مضاف بر اینکه دولت ترامب علاقه ای به برقراری ارتباط دیپلماتیک برای دفع رویدادهایی از این دست ندارد.

ویژگی‌های شخصیتی فردی که ریاست کاخ سفید را بر عهده دارد

جیمز کومی اشاره می کند که "ذات یک شخص" در شکل گیری روابط اش نقش دارد و او ترامپ را یک درهنگوی زنجیره ای می داند. وی در سیاست‌های اقتصادی و داخلی به عوام فریبی پرداخت و اینگونه رأی دهندگان را فریفت و آشکار شد که وعده ی دروغ مرابط‌های درمانی و پزشکی ، نماد یکی از عوام‌فریبی‌های وی است.

خصیصه‌هایی چون تحریک پذیری، تصمیم گیری در لحظه حتی اگر عواقب آن هزینه‌های بلند مدت باشد و نیز گشت‌های ناپایداری وی برای کسب رضایت شخصی در گسترش منافع ملی، باعث نمی شوند که جنگ با ایران اجتناب ناپذیر باشد.

انحراف توجهات از مسائل داخلی

ویژگی‌های شخصیتی که از ترامپ بر شمردیم موجب شده‌اند تا وی از تاکتیک انحراف توجهات از مسائل و مشکلات داخلی استفاده کند که با ادامه ی این روند، حامیان وی کاهش خواهند یافت.

از اینن رو پرداختن به موضوعی مانند جنگ با ایران می تواند به این انحراف توجهات کمک کند.

عواقب جنگ

درگیری نظامی با ایران رویدادی بس ناگوار برای آمریکا خواهد بود. هر گونه جنگ احتمالی، سرمایه‌های انسانی و مادی آمریکا را درگیر خود ساخته و راه را برای استفاده ایرانیان از سلاح‌های هسته ای اشان باز می کند. همچنین می تواند به روابط ایالات متحده با سایر کشورهای آسیب وارد سازد. بنابراین برای انتخاب چنین گزینه ای باید به نتایج و عواقب آن به درستی اندیشید.

شهروندان و اعضای کنگره آمریکا نیز بایستی نسبت به این مسئله هوشیار بوده و مدام این موضوع را دنبال و این سنوال را مطرح نمایند که آیا این اتفاق در راستای منافع ملی آمریکا خواهد بود و یا خیر!

مورد حمایت قرار دهد و طبق گزارش رسانه‌های منطقه ای آسیا این سیاست احتمالا یکی از موضوعات اصلی در اجلاس ۲۰۱۷ آسه آن خواهد بود.

علاوه براین، به گزارش رسانه‌های فیلیپینی، مانیل که اسمال رئیس اتحادیه آ سه آن شده، روابط اقتصادی خود با چین را گسترش داده است. پکن قرار است به این کشور در هزینه ۳٫۹۶ میلیارد دلاری راه آهن-مانیل به جزیره لوزون در جنوب شرق آسیا و هزینه ۴٫۳ میلیارد دلاری خط راه آهن به جزیره میندانائو کمک کند.

افزون براین، چین توریست‌های خود را به ویتنام، دیگر کشور جنوب شرق آسیا گسیل کرده است که این رویکرد پکن ۷ درصد از اقتصاد ویتنام را تامین کرده است.

براساس گزارش رسانه‌های ویتنام از زائویه تا اکتبر سال ۲۰۱۶ میلادی حدود ۲٫۲ میلیون چینی به ویتنام سفر کردند و همین امر سبب شده تا این کشور درصرد فهرست کشورهای توریست پذیر منطقه قرار گیرد.

در مالزی نیز، پکن نخستین سرمایه گذارخارجی این کشور و همچنین اولین فروشنده سلاح و تجهیزات نظامی به آن محسوب می شود.

به گزارش رسانه‌های مالزی، ارزش روابط تجاری پکن و کوالالامپور در سال گذشته میلادی ۱۰۰ میلیارد دلار بود . چین دراین مدت همچنین ۱۲٫۸ میلیارددلار (۵۵ میلیارد رینگریٹ) در مالزی در بخش‌های دریایی و خطوط راه آهن سرمایه گذاری کرده است.

یک کمربند یک جاده و تقویت همکاری‌های درون منطقه‌ای

علاوه براین پکن در پیگیری و اجرایی ساختن ابتکار چهارساله خود «یک جاده یک کمربند» که براساس آن دسترسی زمینی دومین قدرت جهان تا شرق اروپا فراهم می‌سازد، کشورهای جنوب شرق آسیا را در صدر فهرست کمک‌های اقتصادی خود قرار داده است. در مجموع به زغم برخی ناظران منطقه ای، اگر چه هر از چند گاه موضوع حاکمیت دریای جنوبی چین دستاویزهای رسانه ای مناسبی را پیدا می کند اما با نگاهی عمیق تر به بستنرها و مستندات سیاسی اقتصادی منطقه می توان گفت که سرمایه گذاری‌های کلان اقتصادی چین در این منطقه از آسیا سبب شده که دو موضوع اختلاف حاکمیت در پهنة دریایی در دستور کار این کشورها قرار نگیرد.